

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

عبدالله باوی

۲۸ جولای ۲۰۱۵

بنیاد گرائی اسلامی وسيله‌ای در دست امپریالیست ها برای توجیه جنگ!

از انقلاب سال های ۵۶ و ۵۷ که امپریالیست ها و در رأس آن ها امپریالیسم امریکا جهت سرکوب این انقلاب و ایجاد "کمر بند سبز" دور شوروی سابق، شرایط قدرت گرفتن جمهوری اسلامی را فراهم نمودند تا به امروز که قدرت های امپریالیستی، داعش را با جنایات غیر قابل توصیفش در منطقه علم کرده اند- که هر روز در جایی سر کسی را می‌برد و جایی را منفجر می‌کند - بیش از سه دهه است که بنیاد گرائی اسلامی وسیله‌ای جهت گسترش سلطه امپریالیسم بوده است.

در چارچوب این سیاست، با کمک دستگاه‌های تبلیغاتی سرمایه‌داری، به تدریج بیش از یک میلیارد انسان که اکثریت عظیم آن ها را زحمتکشان تشکیل می دهند، توسط امپریالیسم که در پی کسب هر چه بیشتر منافع خود است، در کاتگوری "مسلمان" و در واقع "مسلمان افراطی" جای داده شده‌اند که طبق تفسیر امپریالیسم و نوکران قلم به دستش به معنای قاتل، مرتجع، عقب افتاده و بی‌تمدن معرفی شده اند. کسانی که یک روز در شکل یک عرب و یا افغان ظاهر می‌شوند و روز بعد لیبیایی یا سومالی معرفی می‌شوند ولی در هر حال امپریالیسم برای القاء و مادیت دادن به این تفسیرها، اعمال طالبان و داعش را مرجع قرار داده، همه مسلمانان را "داعشی" و "طالبان" جا زده و بدین ترتیب دستان خود را در هر جنایتی علیه زحمتکشان باز گذاشته است.

از جانب دیگر ، افشای ماهیت وابسته بنیادگرائی اسلامی و در همان حال دفاع کمونیست ها از زحمتکشان، توسط قلم به دستان و مزدگیران امپریالیسم، دفاع از بنیادگرائی اسلامی و جلدانی همچون جمهوری اسلامی و دیگر نوکران سرسپرده‌اش تفسیر شده و به این ترتیب این دفاع را قلب ماهیت می‌دهند. در چنین شرایطی شاهدیم که روشنفکرانی بدون در نظر گرفتن تمام ترها و تحلیل‌های علمی آموزگاران بزرگ پرولتاریا مارکس، انگلس و لنین در مورد مذهب بطور عام، هر روز آیه‌ای را تفسیر کرده و هر روز در تحقیر مسلمانان زحمتکش بیشتر قلم می‌زنند و در نهایت آب به آسیاب سیاست های جنگ طلبانه امپریالیسم می‌ریزند.

براستی در شرایطی که هر چیزی در جامعه طبقاتی مهر طبقاتی خورده است مگر می توان یک میلیارد مردم مسلمان جهان را بدون در نظر گرفتن تفاوت های طبقاتی صرفاً با کاتگوری "مسلمان" و به صرف اعتقادات دینی‌شان با یک چوب راند؟ آیا آخوند خامنه‌ای و دیگر جلدان پیرامون او را که ملتی را به فقر و شوربختی کشانده‌اند می توان با هزاران کارگر و کارتن خواب هائی که زندگی و حقوق انسانی خود را در پی حاکمیت این جلدان از دست داده‌اند در

یک صف قرار داد؟ آیا شیوخ عرب را که از مسلمانی دم می زنند می توان با زحمتکشانی که در اعتراض به طبقه حاکم از شدت فقر و استیصال، خود را آتش زده و با این کار خشم فقیران را فریاد می زنند در یک ردیف قرار داد؟ آیا بخش بزرگی از توده های محرومی که توسط طالبان و داعش قربانی می شوند، مسلمان نیستند؟ آیا این واقعیات رسوائی تبلیغات امپریالیست ها را آشکار نمی سازد؟ امپریالیست ها به کمک نوکران و قلم به دستان خود، این نیروی ضدمردمی، با مسلمان خواندن توده ها و سپس تحقیر آن ها، و با تفسیرها و تبلیغاتی که آن را "تمدن" و "فرهنگ" هم می نامند صف خلق و ضدخلق را به هم زده و به قیمت فقر و فلاکت و رنج بیشتر محرومان، در پی هرچه مستحکمتر کردن پایه های سلطه خود می باشند.

براستی این چه تمدنی است که داعش را می سازد؟ چه تمدنی است که طالبان را می سازد و آخوند خمینی را بر توده های زحمتکش ایران حاکم می کند؟ آیا این "تمدن" جز قدرت امپریالیسم جنگ طلب است که بقایش به جنگ وابسته است؟ و برای توجیه و راه اندازی این جنگ به دشمن نیاز دارد؟ دشمنی که اگر نباشد آن را می سازد. در پی همین سیاست است که برای تاراج و به غارت بردن دسترنج و منابع ثروت زحمتکشان، بنیادگرایی اسلامی شکل داده شده و دشمن خلق گشته که برای نابودی آن جنگ و خونریزی مجاز شناخته شده و زحمتکشانی که بر دریائی از نفت و سرزمین های ستراتیژیک زندگی می کنند آماج جنگ ها و تجاوزگری های امپریالیستی قرار می گیرند.

آن هائی که در کنار امپریالیسم قرار گرفته و به جای افشای امپریالیسم و سرمایه داری، مردم مسلمان را آماج قلم فرسائی خود نموده اند، فراموش می کنند که اسلام با کمک های مادی طبقات حاکمه و در عصر ما امپریالیسم - که همان سرمایه داری انحصاری می باشد - برجای مانده است و این طبقات در همه جا مذهب و اسلام را وسیله تسهیل استثمار و غارت زحمتکشان قرار داده اند. بقای شیوخ عرب و دیگر مرتجعین منطقه که میلیاردها دالر اسلحه از امپریالیست ها می خرند بدون این که نیازی به چنین زرادخانه ای داشته باشند خود گواه این واقعیت است. قلم به مزدان امپریالیسم از تروریسم بنیادگرایان اسلامی سخن می گویند اما به واقعیت هائی هم چون گفته سناتور جمهوریخواه راند پُل (Rand Paul) که گفته است "دولت امریکا به داعش و گروه های وابسته به آن کمک های مالی کرده و از این گروه های تروریستی در سوریه پشتیبانی کرده است و به دلیل این پشتیبانی است که آن ها جسور و شجاع هستند" کاری ندارند. همچنان که به دیگر صدها سندی که بر تنیدگی سلطه امپریالیسم با چنین دار و دسته های جنایتکاری گواهی می دهد، کاری ندارند.

واقعیتی غیر قابل انکار است که گندیدگی امپریالیسم در هر گوشه این گیتی به چشم می خورد، هر از چند وقت یکبار در کشوری اعمال تروریستی توسط بنیادگرایان که دستهای امپریالیسم را می توان در پشت آن دید اتفاق می افتد تا جنگ علیه زحمتکشان و توسعه طلبی با پوشش جنگ با بنیادگرایان تعریف شده و هرچه بیشتر زحمتکشان را به هلاکت و نیستی بکشانند زیرا امپریالیسم - به ویژه در شرایط بحران - نمی تواند بدون جنگ به بقای خود ادامه دهد، زیرا امپریالیسم با جنگ زنده است، زیرا در هر گوشه این گیتی جنگ طبقات در جریان بوده و امپریالیسم هراسان از انقلاب و از دست دادن منابع ثروت خود در هر گوشه این گیتی به جنگ و جنایت مشغول است.

ولی کمونیست ها ماهیت ارتجاعی بنیادگرایی اسلامی را می شناسند و آن را همه جا فریاد می زنند. آن ها می دانند که بهتر شدن شرایط مادی زحمتکشان نه در جنگ با مذهب بلکه در جنگ با طبقه ای است که از آن به عنوان وسیله استقاده کرده و توده ها را در پی ثروت اندوزی و تاراج و برای حفظ شرایط مادی خود ناآگاه نگه می دارند. کمونیست ها با ایدئولوژی مارکسیسم که واقعیت برتری آن بارها اثبات شده است سعادت زحمتکشان را و زندگی بهتر آن ها را هدف خود قرار داده اند، یک زندگی انسانی یعنی آزاد و آزاد از هر تفاوتی، زنانی که دیگر برده و درجه دو نبوده و

کودکانی که زندگی آن ها در شادی خلاصه می شود، زندگی که در جریان آن تمام جامعه حتی طبیعت نیز از زخم استثمار رهایی یافته است.

مرگ بر امپریالیسم

نابود باد جمهوری اسلامی با تمام جناح هایش

جولای ۲۰۱۵